



Received:
2024-04-22
Revised:
2024-08-29
Accepted:
2025-01-12
Published:
2025-01-14

ISSN: 2538-1857
E-ISSN: 2645-5250



Taliban and Security Threats against the Islamic Republic of Iran with an Emphasis on Hirmand's Environmental Factors (Designing a Pragmatic Model)

Khaled Hazbavi¹ | Rohollah Shahabi² | Hossein Karimiafrd³ | Farzad Navidinia⁴

Abstract

With the formation of the second stage of the Taliban rule over Afghanistan in 2021, one of the first efforts of its leaders has been to present a justified, peaceful image, away from any fundamentalist and tension-causing ideas and policies with neighboring countries and the world. Meanwhile, important issues such as the Hirmand Water claim have become controversial issues in relations in the country, in such a way that the environmental threats caused by Hirmand Water have turned into potential security threats for the Islamic Republic of Iran. Based on this, the current research aims to design a pragmatic model of the security threats of the Taliban against the Islamic Republic of Iran, emphasizing the environmental factors of Hirmand. The current research is developmental in terms of its purpose; In terms of approach, it is done qualitatively and based on metacomposition. Based on this, the statistical population of the research includes a collection of articles that were published from 1392 to 1402 on the subject of Hirmand water, its security, and environmental issues. The authors selected 42 articles from among 160 articles by searching among prominent domestic scientific databases. After analyzing their content, categories and concepts were extracted and their prioritization was done using Shannon's entropy method. Based on the research findings, 28 concepts were identified in 8 categories and classified in the form of two categories of political-legal and geopolitical-environmental threats. Political-legal threats include political blackmail, non-compliance with legal laws, increased security and political movements of centrifugal forces, and geopolitical-environmental threats including hydro-political tensions, development of dam projects in Afghanistan, deviation in the Hirmand water path, the threat of Before the micro dusts and the destruction of the economy and agriculture of Baluchistan region.

Keywords: Security threats, Taliban, Copenhagen school, Environment, Hirmand.

1. PhD student of international relations, Ahvaz branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran
2. Assistant Professor of International Relations, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran
3. Assistant Professor of Political Geography, Faculty of Geography, Tehran Central Azad University, Tehran, Iran
4. Assistant Professor of Political Science, Andimshek Branch, Islamic Azad University, Andimshek, Iran

Publisher: Imam Hussein University

This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).

© Authors





۶۴

سال هفدهم
پاییز ۱۴۰۳
صص: ۱۹۵-۱۶۹

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۳
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۶/۰۸
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۲۳
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۲۵

شابا چاپی: ۲۵۳۸-۱۸۵۷
الکترونیکی: ۲۶۴۵-۵۲۵۰



«آفاق امنیت»

طالبان و تهدیدات امنیتی علیه جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر عوامل زیست‌محیطی هیرمند (طراحی یک مدل عملگرا)

خالد حزباوی^۱ | روح‌الله شهابی^۲ | حسین کریمی فرد^۳ | فرزاد نویدی‌نیا^۴

چکیده

با شکل‌گیری مرحله دوم حکومت طالبان بر افغانستان در سال ۲۰۲۱، یکی از نخستین مساعی رهبران آن ارائه تصویری موجه، صلح طلب و بدور از هرگونه اندیشه‌ها و سیاست‌های بنیادگرایانه و تنش‌زا با کشورهای همسایه و جهان بوده است. این در حالی است که کماکان مسائل مهمی همچون حقایق آب هیرمند به موضوعی مناقشه‌انگیز در روابط در کشور مبدل شده است به نحوی که تهدیدات زیست‌محیطی ناشی از آب هیرمند به تهدیدات امنیتی بالقوه‌ای برای جمهوری اسلامی ایران مبدل شده است. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر، طراحی یک مدل عملگرا از تهدیدات امنیتی طالبان علیه جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر عوامل زیست‌محیطی هیرمند است. پژوهش حاضر، از نظر هدف، توسعه‌ای؛ از لحاظ رویکرد، کیفی و بر اساس فراترکیب انجام می‌شود. بر این اساس، جامعه آماری پژوهش، شامل مجموعه مقالاتی است که در بازه زمانی سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۲ شمسی و با موضوعیت آب هیرمند، مسائل امنیتی و زیست‌محیطی آن به چاپ رسیده‌اند. نویسندگان با جستجو در میان پایگاه‌های علمی مطرح داخلی تعداد ۴۶ مقاله را از میان ۱۶۰ مقاله برگزیده و پس از تحلیل محتوای آنها، مقوله‌ها و مفاهیم استخراج شده و اولویت‌سنجی آنان نیز با بهره‌گیری از روش آنتروپی شانون انجام شد. براساس یافته‌های پژوهش، ۲۸ مفهوم در قالب ۸ مقوله شناسایی و در قالب دو دسته تهدیدات سیاسی - حقوقی و ژئوپلیتیکی-زیست‌محیطی دسته‌بندی شدند. تهدیدات سیاسی - حقوقی به ترتیب شامل: باجگیری سیاسی، عدم پابندی به قوانین حقوقی، افزایش تحرکات امنیتی و سیاسی نیروی‌های گریز از مرکز و تهدیدات ژئوپلیتیکی-زیست‌محیطی شامل: تنش‌های هیدروپلیتیکی، توسعه پروژه‌های سدسازی در افغانستان، انحراف در مسیر آب هیرمند، تهدید بیش از پیش ریزگردها و اضمحلال اقتصاد و کشاورزی منطقه بلوچستان.

کلیدواژه‌ها: تهدیدات امنیتی، طالبان، مکتب کینهاگ، محیط زیست، هیرمند

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

۲. نویسنده مسئول: استادیار روابط بین‌الملل، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران
Shahabi89@gmail.com

۳. دانشیار علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

۴. استادیار علوم سیاسی، واحد اندیمشک، دانشگاه آزاد اسلامی، اندیمشک، ایران

DOR:



© نویسندگان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه

اساساً امنیت^۱ را در کنار مفاهیمی همچون آزادی^۲، قدرت^۳، ثبات^۴ و توسعه^۵ بایستی حیاتی‌ترین مفهوم حاکم بر علم سیاست قلمداد کرد. به همین سبب، بسیاری از تئوری‌های روابط بین‌الملل در عمل و نظر این مفهوم را به عنوان یکی از مفاهیم کلیدی و پایه‌ای مطرح نظر خود قرار داده‌اند. به بیانی دیگر، مادامی که امنیت در عرصه داخلی و خارجی کشورها تأمین نشود، نمی‌توان به قدرت، توسعه، ثبات و اقتدار دست یافت (ابراهیمی، ۱۴۰۱: ۱۷). از مفهوم امنیت تعاریف و تعابیر گسترده‌ای شده است اما می‌توان این مفهوم را در دو قالب امنیت سلبی و امنیت ایجابی تعریف نمود. در بعد سلبی، امنیت دلالت بر نبود هرگونه خطر و تهدیدی اعم از تهدیدات درونی و بیرونی داشته و در بعد ایجابی، امنیت به تأمین و تضمین آسایش و آسودگی اطلاق می‌شود (بیلگین، ۱۳۹۹: ۵). از طرفی، ابعاد امنیت در سه حوزه بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی دسته‌بندی می‌شود و در رابطه با گونه‌شناسی آن می‌توان به امنیت اقتصادی، امنیت نظامی، امنیت بهداشتی، امنیت فرهنگی و امنیت روانی اشاره نمود (شیهان، ۱۴۰۱: ۳۶).

نکته مهمی که نباید از تبیین آن غافل شد تأثیر مسائل ژئوپلیتیکی بر ثبات یا تزلزل امنیت است. به بیانی دیگر، امروزه بسیاری از چالش‌های امنیتی مرتبط با مسائل جغرافیایی و ژئوپلیتیکی است. به عنوان مثال، چالش هند و پاکستان بر سر منطقه کشمیر، چین و تایوان، بحران قره باغ در روابط ارمنستان و آذربایجان و ده‌ها مورد دیگر (موسویان، ۱۴۰۲: ۲۷). یکی از مصادیق وقوع تهدیدات امنیتی مسائل مرتبط با حوزه آبی و رودخانه‌ای است. این موضوع به ویژه در میان کشورهایی که دارای مرزهای آبی و رودخانه‌ای هستند، ملموس‌تر بوده و بعضاً پیامدهای امنیتی گسترده‌ای را برجای گذاشته است. بارزترین چالش این موضوع را می‌توان به تهاجم عراق علیه ایران در سال ۱۹۷۹ میلادی دانست که بحران اروندرود، به جنگی تمام‌عیار و طولانی مدت هشت ساله با میلیاردها خسارت اقتصادی و هزاران کشته منتهی گردید (احمدی، ۱۳۹۹: ۸۳).

1. Security
2. Freedom
3. Power
4. Stability
5. Development

مسأله اصلی، بحران آب در میان کشورهای غرب آسیاست که به لحاظ کشاورزی، اقتصادی و حتی تأمین آب شرب چالش‌های عدیده‌ای را برای کشورهای این منطقه ایجاد کرده است. مشکلاتی که بعضاً به تهدیدات بالقوه امنیتی مبدل گردیده است. به عنوان مثال، چالش آب ترکیه با سوریه و عراق و حتی ایران، چالش آب کشورهای عربی خلیج فارس و مسأله ریشه دار و مهم آب هیرمند در منطقه جنوب شرق ایران با افغانستان را می‌توان در این رابطه ذکر نمود. بر اساس قرارداد آبی میان ایران و افغانستان در سال ۱۳۵۱ شمسی، مقرر گردید که دولت افغانستان سالانه ۸۵۰ میلیون لیتر مکعب آب ایران را به این کشور سرازیر نماید اما این موضوع در عمل هیچگاه به این میزان محقق نشد و دولت‌های مختلف در افغانستان چه پیش از انقلاب و چه پس از آن، به انحاء مختلف در تعهد به این قرارداد پایبندی از خود نشان ندادند (عسگری، ۱۴۰۲: ۳۳۹).

در این میان، طالبان که با عنوان امارت اسلامی افغانستان، پس از یک دوره ناکامی در حکومت بر افغان‌ها که در سال ۲۰۰۱ میلادی به پایان رسید، مجدداً در سال ۲۰۲۱ میلادی زمام حکومت این کشور را به دست گرفته و در این دوره، مساعی اصلی خود را معطوف به دو مسأله تنش زدایی با همسایگان و کسب مشروعیت در عرصه‌های داخلی و خارجی قرار دادند. به بیانی دیگر، طالبان، در راستای کسب وجهه و اعتبار سیاسی، سعی نمود مجموعه رویکردها و راهبردهای سابق خود که مبتنی بر خشونت، تهدید، تخریب، ترور و تنش‌زایی با کشورهای منطقه و جهان بوده است را کنار نهاده و بنیادگرایی اندیشه‌ای و عملکردی خود را با سیاست‌های مبتنی بر سازش، مفاهمه و گفتگو جایگزین نماید (عالیشاهی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۸۵). یکی از موضوعات و شروط مهم جمهوری اسلامی ایران با زعما و رهبران ارشد طالبان در به رسمیت شناختن آنان در کنار وضعیت شیعیان افغانستان، مسأله آب هیرمند بود که این موضوع تعهدات اولیه طالبان را نیز به همراه داشت اما در ادامه نه تنها این امر محقق نگردید که عملاً سیاست‌های سابق افغان‌ها در خصوص آب هیرمند ادامه یافت و حتی با انحراف مسیر آب آن تعهدات سابق دولت‌های پیشین افغانستان را نیز نادیده گرفت (شکری و همکاران، ۱۴۰۱: ۳۰۱). مسأله‌ای که پیامدهای مهم اقتصادی، سیاسی و حتی امنیتی مهمی را برای جمهوری اسلامی ایران به همراه خواهد داشت. گذشته از تشدید خشکسالی، فراگیرتر شدن ریزگردها، بیکاری گسترده در میان کشاورزان و

دامپروان، پیامدهایی همچون افزایش قاچاق، افزایش مهاجرت‌ها، تخریب زیست بوم‌ها و حتی تشدید فعالیت‌های تروریستی - امنیتی را سبب گردیده است.

در خصوص ضرورت بحث نیز می‌توان به چند نکته مهم اشاره داشت: نخست آنکه با بررسی طیف وسیعی از آثار مرتبط با هیرمند و حقایق ایران، مشخص شد موضوع آب هیرمند از مناظری همچون اقتصادی، سیاسی، تاریخی مورد بررسی و مذاقه قرار گرفته است اما پژوهشی که به نحوی جامع به ارائه مدل عملگرا از تهدیدات امنیتی طالبان در موضوع آب هیرمند با تأکید بر مسائل زیست محیطی پرداخته باشد، یافت نشد و این موضوع را می‌توان نخستین ضرورت انجام پژوهش کنونی قلمداد نمود (به این موضوع در بخش پیشینه پژوهش بیشتر خواهیم پرداخت). دوم؛ مجموعه مباحث مرتبط با تعهد دولت افغانستان و راهکارهای پیش روی جمهوری اسلامی ایران در این رابطه است. به بیانی دیگر، چنانچه طالبان سیاست‌های دول پیشین افغانستان را در خصوص آب هیرمند و حقایق ایران ادامه دهند با اتخاذ چه رویکرد یا رویکردهایی بایستی احقاق حق نمود و نهایتاً آنکه موضوع آب هیرمند گذشته از ایجاد ثبات امنیتی در منطقه می‌تواند بخش بسیار مهمی از چالش‌های اقتصادی و زیست محیطی مردمان بلوچستان حل و فصل نموده و از طرفی، این موضوع برای دولت نوپای طالبان نیز فرصت‌های مناسبی جهت ارتقاء تعاملات هرچه بهتر اقتصادی - امنیتی و بسط مناسبات سیاسی با جمهوری اسلامی ایران ایجاد خواهد کرد.

با این مقدمات، هدف نویسندگان در پژوهش حاضر، ارائه مدل عملگرا از تهدیدات امنیتی طالبان در موضوع آب هیرمند با تأکید بر مسائل زیست محیطی است. بر این اساس سوال اصلی پژوهش عبارت است از: «تهدیدات امنیتی طالبان در موضوع آب هیرمند علیه جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر مسائل زیست محیطی شامل چه مولفه‌هایی است؟» به بیانی شفاف‌تر، با تأکید بر چه مولفه‌هایی می‌توان به یک الگوی عملگرا از تهدیدات امنیتی طالبان علیه جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر مسائل زیست محیطی آب هیرمند دست یافت؟ پژوهش حاضر دارای دو دسته از اهداف است. از حیث نظری ارائه دیدگاهی جامع را دنبال می‌نماید تا بتوان گذشته از حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، امنیتی، اقتصادی، ژئوپلیتیکی، به شناخت شفاف‌تری در حوزه ادبیات نیز به شناخت جامع‌تری از تهدیدات امنیتی - زیست محیطی طالبان در موضوع آب هیرمند دست یافت. از حیث کاربردی و از آنجایی که طالبان خواه ناخواه به لحاظ جغرافیایی، سیاسی و امنیتی از

همسایگان مهم و اثرگذار جمهوری اسلامی ایران می‌باشد، تقویت نگاه‌های امنیتی-اقتصادی-سیاسی و ارائه مدلی جامع، مناسب، کاربردی برای سیاستگذاران کلان کشور در خصوص اتخاذ مجموعه راهبردهای مناسب در قبال این گروه را مد نظر دارد.

مبانی نظری

مفهوم امنیت، دارای ابعاد گسترده‌ای در تعریف، شاخص و کارکردها می‌باشد به نحوی که این موضوع به ارائه تعاریف و برداشت‌های بعضاً متفاوتی از امنیت شده است. به عنوان مثال، در مکتب لیبرالیسم، مفهوم امنیت تداعی کننده صلح^۱ ولی در مکتب رئالیسم، مفهوم امنیت به معنای نبود هرگونه تهدیدات نظامی^۲ می‌باشد (دمیکرول^۳، ۲۰۲۳: ۴). از طرفی، ابعاد امنیت نیز از دیگر موارد مورد اختلاف در تئوری‌ها و رهیافت‌های روابط بین‌الملل محسوب می‌شود اما به طور کلی بایستی اذعان داشت، در بدیهی‌ترین تعریف و تبیین امنیت، رهایی از هرگونه تهدیدات داخلی و بیرونی را مورد نظر داشته اما اینکه سطح چنین تهدیداتی فردی، ملی یا فراملی باشد، کماکان دیدگاه‌های متفاوت بسیاری وجود دارد.

امنیت از منظر رئالیسم و لیبرال‌ها

در رهیافت رئالیستی، بیش از آنکه مفهوم امنیت مورد نظر باشد، مفهوم ناامنی مطرح است، زیرا ناامنی موضوعی است که همواره ساختارها و واحدهای سیاسی را تحت الشعاع خود قرار داده و بر این اساس، امنیت، موضوعی است که دولت‌ها همواره درصدد تأمین آنند. از منظر رئالیست‌ها، عوامل متعددی بسترساز وقوع ناامنی هستند و از آنجایی که مفهوم قدرت، جایگاهی ویژه در اندیشه رئالیست‌ها دارد، یکی از عوامل اصلی بروز و تشدید ناامنی‌ها، قدرت است. به بیانی دیگر، مجموعه رقابت‌ها، تلاش‌ها، چالش‌ها و منازعاتی که بازیگران عرصه بین‌الملل بر سر موضوع قدرت دارند و این موضوع تشدید کنشگری‌ها را در پی خواهد داشت که نتیجه آن، بروز تهدیدات در ابعاد مختلف است که مهمترین آن وقوع تهدیدات فیزیکی از نوع نظامی است (لوپتون^۴، ۲۰۲۴: ۵۹۶). از طرفی، در رهیافت لیبرالی، بیش از آنکه تهدیدات و ناامنی‌ها

1. Peace
2. Military threats
3. Demirkol
4. Lupton

مطرح باشد، مفهوم صلح و تلاش برای ثبات آن در عرصه بین‌المللی مطرح است. بر این اساس، لیبرال‌ها همواره معتقدند که پیروزی و مبارزه با عوامل تهدیدات و ناامنی‌ها نمی‌تواند عاملی مؤثر جهت ضمانت امنیت محسوب شود، زیرا همواره دولت‌های شکست خورده جهت مبارزه مجدد با دولت‌های فاتح خود را آماده نبردی مجدد خواهند کرد. لیبرال‌ها همچنین بر این موضوع تأکید دارند با اعمال تغییرات در عقاید بازیگران عرصه بین‌الملل، مفهوم امنیت نیز دچار تطور و تغییرات خواهد شد (ابراهیمی و مشیرزاده، ۱۴۰۰: ۱۶۳).

مکتب کپنهاک و خوانشی نوین در مفهوم امنیت

با پایان جنگ جهانی دوم و وقوع تحولات گسترده در عرصه روابط بین‌الملل عواملی همچون توسعه چشمگیر اقتصادی، رشد جمعیت، موضوع انرژی، مسائل زیست‌محیطی و برخی موضوعات و مسائل دیگر نشان داد دیدگاه‌های سنتی رایج در موضوع امنیت کارآیی لازم را ندارد. اینکه بر اساس رهیافت رئالیستی، موضوع امنیت را صرفاً مسأله‌ای نظامی قلمداد نمایم، با فروپاشی بلوک شرق، ناکارآمدی این رهیافت را مشخص نمود. بنابراین خوانشی نوین از مفهوم امنیت در این دوره بیش از پیش گریزناپذیر شد. کما اینکه هنری کیسینجر^۱ در این رابطه اذعان نمود: «پیش رفتن در جهت اقدام کردن در مورد دستور کار سنتی دیگر کافی نیست. موضوعات جدید و بی‌سابقه‌ای پدیدار شده‌اند. مسائل مرتبط با انرژی، منابع، محیط زیست، جمعیت و استفاده از فضا و دریا اکنون هم‌تراز مسایل مربوط به امنیت نظامی، ایدئولوژی و رقابت سرزمینی شده‌اند که بطور سنتی به دستور کار دیپلماتیک شکل می‌دادند» (یورگنسن، ۱۴۰۲: ۳۷).

باری بوزان^۲ بنیانگذار مکتب مطالعات امنیتی کپنهاک، ضمن نقد به برداشت‌های ساده لوحانه از مفهوم امنیت، بهترین رویکرد در ارائه تعریف و تبیینی نوین از امنیت را ارائه دیدگاهی میانه از امنیت دانست که بر اساس آن هر دو مفهوم قدرت و صلح را در دورن خود جای می‌دهد. بنابراین باری بوزان، ضمن اصلاح دیدگاه‌های رئالیستی و لیبرالیستی از امنیت که تنها تمرکز خود را معطوف به دو مفهوم قدرت و صلح نمودند، ابعاد مفهوم امنیت را پنج موضوع کلان نظامی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و زیست‌محیطی بسط داد. از طرفی، بوزان ضمن انتقاد صریح از این نگاه سنت‌گرایان که امنیت امری واقعی و عینی پنداشته می‌شود، این مفهوم را بینادهنی پنداشته که

1. Henry Kissinger
2. Barry Gordon Buzan

از سوی بازیگران عرصه بین‌الملل اتخاذ می‌شود. این موضوع بسترساز اداراکات و برداشت‌های بعضاً کاملاً متفاوتی از امنیت خواهد شد (کینگ، ۱، ۲۰۲۴: ۱۴۸). به عنوان مثال، موضوعی ممکن است برای یک بازیگر در عرصه بین‌الملل به مثابه تهدید جدی امنیتی پنداشته شود حال آنکه همین موضوع برای بازیگر دیگر ممکن است موضوع عادی و بدور از هرگونه تهدیدی پنداشته شود. این موضوع از منظر بوزان، دوراهی یا تنگنای امنیتی قلمداد می‌شود (بوزان، ۲۰۲۲: ۶۷). به طور کلی، از دیدگاه باری بوزان، دلایل بسط مفهوم امنیت به پنج مفهوم کلان به شرح ذیل می‌باشد:

نخست آنکه توسعه و بسط روابط میان بازیگران عرصه بین‌الملل، مفهوم تهدید را با تطورات عمیقی مواجه نموده و طیف دیگری از تهدیدات را ایجاد نموده است. دوم؛ بر اساس شاخص‌های سیاسی امنیت، همچون امنیت موسع، می‌توان به اختلافات ماهوی دو رهیافت رئالیستی و آرمانگرایی پایان داد چرا که این مفهوم از یکسو محیط و شرایط جامعه بین‌المللی را برای تحقق صلح مورد نظر آرمانگرایان مهیا خواهد کرد و در عین حال نیز شرایط را برای ایجاد و ظهور تهدیدات جدید فراهم نخواهد کرد. سوم؛ بر اساس ماهیت چندبعدی بودن امنیت، می‌توان پیوندی مناسب میان تئوری و تحلیل ایجاد نمود به نحوی که بر این اساس می‌توان به پیوند میان مطالعات راهبردی، روابط بین‌الملل، اقتصاد سیاسی، مطالعات منطقه‌ای و دیگر حوزه‌های سیاست بین‌الملل مبادرت نمود (بوزان، ۲۰۲۰: ۱۵۳-۱۵۶). نهایتاً بوزان این موضوع را مطرح می‌کند که طرح مکتب کینهاک برای بازیگران عرصه بین‌الملل در مواجهه با تهدیدات این است که به جای بحث در خصوص تهدیدات امنیتی، به فرآیندی که بر اساس آن تهدیدات امنیتی شکل می‌گیرد، توجه نمایند. در واقع بر این اساس می‌توان به بهترین نحو مانع از شکل‌گیری تهدیدات امنیتی شد (همان: ۱۸۶).

امنیت در مکتب کینهاک

۱. امنیت مفهومی بین‌ذهنی: کنشگران عرصه روابط بین‌الملل در مورد یک موضوع خاص ممکن است واکنش‌های مختلفی در خصوص ابعاد امنیتی آن داشته باشند به نحوی که یک مسأله برای کنشگری بعدی بشدت امنیتی داشته باشد اما برای کنشگری دیگر موضوعی کاملاً بدیهی و عادی تلقی گردد؛

۲. دولت‌ها مراجع اصلی امنیت: در مکتب کپنهاگ، دولت‌ها مراجع اصلی و کانون نخست امنیت هستند چرا که مکتب کپنهاگ اساساً یک مکتب نواقع‌گرایی محسوب می‌شود؛
۳. طرح مفهوم امنیت موسع در مقابل امنیت مضیق: باری بوزان مجموعه دیدگاهی تک بعدی و سنتی امنیت را به یک دیدگاه جامع و پنج بعدی امنیتی در مسائل نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی ارتقاء داده است؛
۴. دیدگاه غیرامنیتی در قبال موضوعات: یکی از تلاش‌های مهم مکتب کپنهاگ، جلوگیری از بسط بیش از حد مسائل و موضوعات به بعد امنیتی است. به بیانی دیگر، حداقل‌امکان تلاش می‌شود از امنیتی کردن مسائل و تشدید آن ممانعت به عمل آید؛
۵. امنیت ملی کانون اصلی امنیت: بر اساس تئوری‌های مطرح شده در مکتب کپنهاگ، سطوح امنیت به پنج بعد امنیت فردی، اجتماعی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی دسته‌بندی می‌شود اما اصلی‌ترین و مهمترین بعد امنیت، امنیت ملی است؛
۶. وابستگی متقابل امنیت: به رغم آناارشی موجود در عرصه بین‌الملل، دولتها به خوبی به این موضوع واقفند که امنیت تمامی کشورها منوط به تأمین امنیت دیگر کشورهاست. به بیانی دیگر، چنانچه امنیت ملی کشوری خدشه دار شود، این موضوع به خدشه دار شدن امنیت سایر کشورها نیز خواهد شد بنابراین بایستی برای به رسمیت شناخته شدن امنیت کشورها تلاش کرد؛

۷. معمای امنیت

الف) معمای دفاع-امنیت: مفاهیم امنیت و دفاع در بسیاری از مواقع، در عمل علیه یکدیگر می‌باشند. نخست آنکه هزینه‌های دفاع سبب کاهش توجه به سایر اهداف امنیتی خواهد شد. به عنوان مثال، افزایش چشمگیر هزینه‌های رقابت تسلیحاتی شوروی تأثیرات منفی بر رد اقتصادی این کشور گذارد. دوم وجود مفهومی با عنوان «خود تخریبی» است که تداعی کننده این موضوع است که ارتقاء توان تسلیحاتی و نظامی یک کشور به همان میزان که می‌تواند عاملی جهت تأمین هرچه بیشتر امنیت باشد، در عین حال می‌تواند خطر انفجارات حاصل از آن، به مثابه عاملی تهدیدکننده نیز باشد. سوم مسئله بازدارندگی هسته‌ای است که نمونه مشخصی از معمای دفاع-امنیت محسوب می‌شود. بر این اساس، از آنجایی که قدرت تسلیحاتی تهاجمی بسیار بیشتر از تسلیحات تدافعی

بوده، این امر به تناقضی جدی میان دفاع و امنیت بر اثر بازدارندگی هسته‌ای خواهد شد. نهایتاً آنکه مسلح شدن بیش از حد کشورها گذشته از آنکه می‌تواند به عاملی برای تأمین هرچه بهتر و بیشتر امنیت آن منجر شود، از طرفی به عاملی برای افزایش تهدیدات امنیتی آن نیز مبدل گردد.

ب) معمای قدرت-امنیت: کشمکش قدرت و امنیت در سطح واحد می‌تواند منجر به ایجاد معمای قدرت-امنیت شود. کشمکش قدرت، دلالت بر فرصت‌طلبی یا ستیزه‌جویی بازیگران عرصه بین‌الملل نسبت به یکدیگر دارد که این موضوع در نهایت به عدم اعتماد و بدبینی بازیگران علیه یکدیگر منتهی خواهد شد. در این رابطه بوزان معتقد است قدرت، بر اساس حاصل جمع صفر میان کنشگران بوده به نحوی که توسعه امنیت یک بازیگر مشروط به کاهش امنیت کنشگر دیگر است. از طرفی، اهداف و انگیزه‌های کنشگران نیز به تشدید معمای قدرت-امنیت کمک خواهد کرد به نحوی که حفظ یا تغییر وضعیت موجود، سبب تشدید کشمکش‌ها میان بازیگران خواهد شد (بوزان، ۲۰۲۲: ۲۱۴-۲۱۷).

بر اساس مفهوم امنیت، شاخص‌ها و کارکردهای آن بر اساس مکتب کپنهاگ، پژوهش حاضر درصدد است موضوع تهدیدات امنیتی طالبان علیه جمهوری اسلامی ایران را با تأکید بر عوامل زیست‌محیطی هیرمند مورد بررسی قرار دهد. به بیانی دیگر، با توجه به مسائل مهم امنیتی مطرح شده در مکتب کپنهاگ خصوصاً دولت به عنوان مرجع امنیت، غیرامنیتی کردن موضوعات، امنیت ملی به عنوان مرکز ثقل امنیت و وابستگی متقابل امنیتی پژوهش حاضر مساعی خود را به بررسی مجموعه تهدیدات امنیتی-زیست‌محیطی هیرمند از سوی طالبان علیه جمهوری اسلامی گذارده است که در ادامه بدان خواهیم پرداخت. اما پیش از آن برخی از مهمترین پژوهش‌های صورت گرفته که به نحوی با موضوع پژوهش مرتبط است، نگاهی هرچند اجمالی خواهیم انداخت:

- عسگری (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان: «نقش افغانستان در تغییر وضعیت هیرمند از هیدروپلیتیک به ژئوپلیتیک» به این نتیجه دست یافت که کارشکنی‌های افغانستان، آب هیرمند را از وضعیت هیدروپلیتیک به سطح ژئوپلیتیک تغییر داده است. ضمن اینکه آن اقدامات مخالف اصل رفتار بر مبنای حسن همجواری و همچنین مغایر با کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی در خصوص آب‌های مشترک است.

- درج (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان: «بحران آب هیرمند و بازگشت طالبان به قدرت در افغانستان» به این نتیجه دست یافت که موقعیت جغرافیایی افغانستان به عنوان کشوری بالادست، توسعه پروژه های آبی در خاک این کشور و همچنین نیاز طالبان به دولتی قانونی و کسب مشروعیت بین المللی سبب شده است تا مقامات کابل در کنار همکاری با مقامات تهران، در مواقعی از اهرم هیرمند به منظور دست یابی به اهداف و ارتقاء قدرت خود استفاده نمایند و از این طریق برای مناطق شرقی ایران تهدیدات زیست محیطی و امنیتی ایجاد نمایند.

- حاجی یوسفی و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان: «رویکرد منازعه و همکاری در حوضه آبریز هیرمند و اروند رود» به این نتیجه دست یافتند که تعاملات آبی ایران در رودخانه اروندرود و رودخانه هیرمند از طریق امنیت زدایی و هیدرودپلماسی می تواند بحران آب را مدیریت نماید.

- پهلوان و کریمی منش (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان: «تأثیر دیپلماسی محیط زیستی بر روی بحران آبی مناطق مرزی ایران (مطالعه موردی: حوضه آبریز هیرمند)» به این نتیجه دست یافتند که از آنجایی که جنوب شرق ایران فاقد منابع آب زیرزمینی، چشمه و قنات قابل توجه می باشد در نتیجه حیات بسیار درهم تنیده ای با حوضه آبریز هیرمند دارد نتایج ارزیابی حاکی از آن است، بحران دیپلماسی آب، با اجماع نظر خبرگان، با وزن ۰,۴۰۶ در راس ضعف‌ها و از میان زیرمعیارهای آن عدم اولویت محیط زیست در اهداف سیاست خارجه در رتبه نخست و معیار بحران مدیریت داخلی آب با وزن ۰,۲۳۶، و از میان زیر معیارهای آن فقدان ذخیره و جمع آوری آب حاصل از بارش، بالاترین ضعف را کسب نمود.

- کامیاب و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان: «دیپلماسی آب در مرزهای رودخانه ای (مطالعه موردی: رودخانه مرزی هیرمند)» به این نتیجه دست یافتند که عدم مدیریت صحیح، عدم رعایت حقا به، سدسازی های گسترده و منافع مختلف کشورهای بالادست و پایین دست از مهمترین دلایل بروز اختلافات بر سر رودخانه مرزی هیرمند است. مسلما ایجاد کارگروهی مشترک به منظور سیاست گذاری صحیح و قابل مفاهمه میان دو طرف و همچنین تعامل دیپلماسی آب بر سر منابع مشترک آب یکی از راه های مناسب جهت حل اختلافات دو کشور می باشد.

- عنایت مهری و عباسی اشلقی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان: «بررسی تاثیر هیدروپلیتیک هیرمند بر روابط سیاسی و امنیتی ایران و افغانستان ۲۰۱۸-۲۰۰۲» به این نتیجه دست یافتند که خشکسالی‌های متناوب رودخانه هیرمند در طول دوره‌های تاریخی مختلف باعث اثرات زیانبار سیاسی - امنیتی - اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی در سمت ایران و منطقه سیستان شده است. عمق و گستردگی این فجایع باعث شده است که وضوح و عینیت آنها برای دولت‌های مبتلا به محسوس‌تر باشد، در این راستا بهترین انتخاب دو کشور پیرامون این موضوع همکاری و تعامل می باشد، در غیر این صورت تشدید بحران ناشی از عدم اقدام موثر باعث بروز فاجعه و در نتیجه ایجاد بحران و منازعه خواهد شد.

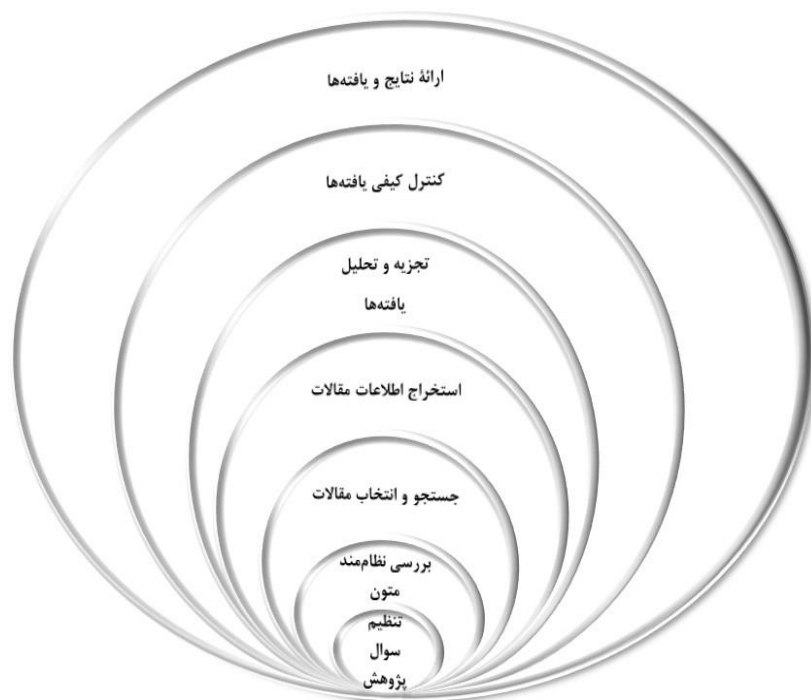
با بررسی در پیشینه پژوهش، مشخص شد پژوهش‌های زیادی با موضوع آب هیرمند و تأثیر آن بر روابط سیاسی ایران و افغانستان صورت پذیرفته است، اما نوآوری پژوهش حاضر معطوف به طراحی مدل عملگرای تهدیدات امنیتی - زیست محیطی طالبان با تأکید بر آب هیرمند است که تا کنون در هیچ پژوهشی بدان پرداخته نشد.

روش‌شناسی تحقیق

از آنجایی که هدف پژوهش حاضر، طراحی مدل عملگرای تهدیدات امنیتی - زیست محیطی طالبان علیه جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر عوامل زیست محیطی هیرمند است، لذا از نظر هدف توسعه‌ای بوده و روش جمع‌آوری داده‌ها نیز از نوع توصیفی است. در تحقیق حاضر، از روش فراترکیب و در ادامه و جهت تعیین ضرایب عوامل شناسایی شده از روش آنتروپی شانون استفاده شده است. فراترکیب، روشی است که جهت بررسی و ترکیب مطالعات گذشته و با هدف ارزیابی آنان صورت می‌پذیرد که پس از ارزیابی نتایج آنان نهایتاً نتایج و یافته‌های جدیدی حاصل می‌شود (جانسون و عبدی طبری^۱، ۲۰۲۳). جامعه آماری پژوهش، شامل مجموعه مقالاتی است که در بازه زمانی سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۲ و با موضوع آب هیرمند، حقایق ایران و تأثیرات سیاسی

1. Johnson & Abdi Tabari

امنیتی آن بر روابط دو کشور و منطقه به چاپ رسیده اند و نویسندگان با جستجو در میان پایگاه‌های علمی مطرح داخلی تعداد ۴۶ مقاله را از میان ۱۶۰ مقاله برگزیدند. سپس جهت بررسی اعتبار مطالعات، از ابزار حیاتی کاسپ^۱ استفاده شد که به پژوهشگر جهت افزایش دقت، اعتبار و اهمیت مطالعات کمک می‌کند. برای فراترکیب، کیلیون^۲ و همکاران روش هفت مرحله‌ای را ارائه نموده‌اند که در پژوهش حاضر از آن استفاده شده است (کیلیون و همکاران، ۲۰۲۳).



شکل ۱. مراحل اجرای پژوهش

مرحله اول: مشخص کردن سؤالات پژوهش: با توجه به هدف، باید به شاخص‌های پژوهش شامل چه جامعه‌ای، چه چیزی، چه زمانی و چگونگی روش پاسخ داده شود که بر این اساس، سؤالات تنظیم شده است.

1. Critical Appraisal Skills Program (CASP)

2. Killion

جدول ۱. سوالات پژوهش

سوالات	
What (چه چیزی؟)	شناسایی مفاهیم و تعاریف مرتبط با تهدیدات امنیتی و زیست محیطی
Who (چه کسی؟: جامعه مطالعه)	جامعه پژوهش، مجموعه مقالات منتشر شده در حوزه روابط سیاسی، امنیتی و زیست محیطی ایران و افغانستان (در دوره حکومت طالبان) با تأکید بر موضوع هیرمند در مجلات و پایگاه‌های معتبر علمی داخلی.
When (چه زمانی؟: محدودیت و چارچوب زمانی مطالعه)	مجموعه مقالات منتشر شده مرتبط با موضوع پژوهش در خلال سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۲
How (چگونه؟: روش انجام مطالعات و چگونگی انتخاب مطالعات)	در این پژوهش مرور ادبیات و تحلیل اسنادی مورد استفاده قرار گرفته و برای چگونگی انتخاب مطالعات از ابزار حیاتی کاسپ استفاده شد.

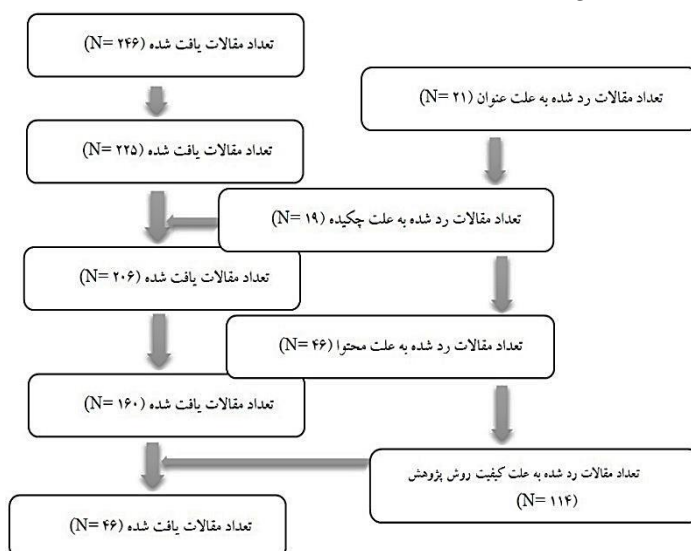
مرحله دوم: بررسی ادبیات موضوع به صورت نظاممند

جامعه پژوهش حاضر مشتمل بر مقالات علمی منتشر شده مرتبط با مفاهیم امنیتی-زیست محیطی آب هیرمند که در خلال سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۲ منتشر شده بودند، تشکیل می‌دهد. کلید واژه‌های اصلی پژوهش یعنی آب هیرمند، ایران و افغانستان، طالبان، حقایق ایران، محیط زیست و ژئوپلیتیک در پایگاه‌های علمی مطرح معتبر علمی داخلی همچون نورمگز^۱، مگیران^۲، ایرانداک^۳ و سید^۴ مورد جستجو واقع شدند. نتیجه جست‌وجو فهرستی از اسناد گوناگون شامل ۲۴۶ مقاله بود اما با توجه به هدف پژوهش ۱۶۰ مورد با حوزه مورد بررسی مطابقت داشت و وارد فرایند ارزیابی گردید. مقالات انتخاب شده در چند مرحله مورد ارزیابی قرار گرفتند و تعدادی از آنها به علت عدم تطابق با هدف پژوهش حذف شدند. در واقع، معیار گزینش یا رد مقالات مذکور، ارتباط با مفاهیم اصلی مقاله، بازه زمانی، شرایط و نوع مطالعه بوده است که بر این اساس نهایتاً ۴۶ مقاله برای مطالعه عمیق گزینش شدند.

1. Noormags
2. Magiran
3. Irandoc
4. Sid

مرحله سوم: بررسی و گزینش مقالات مناسب

جهت گزینش مقالات مناسب بر مبنای الگوی مشاهده شده در شکل ۱، مولفه‌های گوناگونی مانند عنوان، چکیده، محتوا، دسترسی و کیفیت روش پژوهش مورد تأکید قرار گرفت و بر این اساس مقالات گزینش شدند. در فرایند جست‌وجو نیز شاخص‌هایی مانند عنوان، چکیده، محتوا و جزئیات مقاله (اعتبار مجلات و سال چاپ مقالات) مورد تأکید واقع شد. بر این اساس، بالطبع مقالاتی که ارتباط چندانی با سؤال و هدف اصلی پژوهش، نداشتند، حذف شدند. در واقع هدف این مرحله، پالایش مقالاتی بود که بر اساس عنوان، چکیده و محتوا، تناسب چندانی باهدف پژوهش نداشتند. در شکل ۲ تعداد مقالات منتخب از پایگاه‌های علمی نشان داده می‌شود:



شکل ۱. الگوریتم انتخاب مقاله‌های نهایی

جدول ۲. تعداد مقالات منتخب از پایگاه‌های علمی معتبر داخل کشور

نام پایگاه علمی	نورمگز	مگیران	ایرانداک	سید	مجموع
تعداد مقالات	۱۱	۱۲	۱۲	۱۱	۴۶

گام چهارم: استخراج اطلاعات

در گام چهارم، مجموعه مقالات منتخب از مطالعات پیشین در راستای دستیابی به یافته‌ها به نحوی جامع و متناوب مورد بررسی واقع شدند. اطلاعات مرتبط با هر یک از ۴۶ مقاله، شامل

مؤلفه‌های امنیت، محیط زیست، آب هیرمند، ایران، افغانستان (طالبان) نویسنده/ نویسندگان و سال انتشار استخراج شد و نتایج آن در جدول ثبت شد.

گام پنجم: تجزیه و تحلیل و تلفیق یافته‌های کیفی

در این مرحله، حسب پژوهش‌های گذشته، کدهایی در نظر گرفته و مفاهیم و مقوله‌ها دسته‌بندی شدند. در واقع، در این مرحله هدف اصلی، ارائه تفسیری نوین و جامع از یافته‌هایی است که از بررسی و تحلیل تمامی مطالعه‌های پیشین انجام شده پدیدار شدند. بر این اساس، ابتدا تمامی عوامل مستخرج از مطالعات صورت گرفته قبل به عنوان کد در نظر گرفته شده و در ادامه با در نظر گرفتن مفهوم کدها، موارد مشابه در یک مفهوم طبقه‌بندی شدند. مؤلفه‌های نهایی به دست آمده در جدول ۳ آورده شده است:

جدول ۳. تهدیدات امنیتی - زیست محیطی طالبان علیه جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر آب هیرمند

منبع	مفهوم	مقوله	دسته
درج (۱۴۰۲)، عسگری (۱۴۰۲)، شکری و همکاران (۱۴۰۱)، وریج کاظمی (۱۳۹۹)، اسلامی و همکاران (۱۳۹۹)	کسب مشروعیت	باجگیری سیاسی	
	افزایش قدرت چانه زنی		
	تلاش برای معاوضه آب و نفت		
طیبی و ابوالقاسمی (۱۴۰۲)، عابد و رضانی قوام آبادی (۱۴۰۲)، امینی و همکاران (۱۴۰۰)، سلیمانی و همکاران (۱۳۹۹)، اکبری و همکاران (۱۳۹۹)، کرم زاده و مرادیان (۱۳۹۶)، موسی زاده و عباس زاده (۱۳۹۵)	عدم دسترسی هیأت نظارت ایرانی به میزان دقیق آب	عدم پابندی به قوانین حقوقی	سیاسی - حقوقی
	عدم تعهد به واگذاری ۸۵۰ میلیون لیتر آب سالانه به ایران		
	اقدامات مخالف اصل رفتار بر مبنای حسن همجواری		
	هیرمند به مثابه حاکمیت داخلی طالبان		
فتاحی زاده (۱۴۰۱)، پهلوان و کریمی منش (۱۴۰۰)، لکزائیان پور و چاری (۱۴۰۰)، گرگیچ و خزایی (۱۳۹۸)، تقی ملایی (۱۳۹۸)	بیکاری گسترده	افزایش	تحرکات امنیتی و سیاسی نیروی‌های گریز از مرکز
	افزایش مهاجرت‌های غیرقانونی		
	افزایش نفوذ گروه‌های تجزیه طلب فرامرزی		

جدول ۳. تهدیدات امنیتی - زیست محیطی طالبان علیه جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر آب هیرمند

دسته	مقوله	مفهوم	منبع
	تنش‌های هیدروپلیتیکی	هیدرودپلماسی	طهماسبی و همکاران (۱۴۰۱)، عنایت مهری و عباسی اشلقی (۱۴۰۰)، کامیاب و همکاران (۱۴۰۰)، اخباری و همکاران (۱۳۹۹)، کرم‌زاده و مرادیان (۱۳۹۶)
		آسیب پذیری معیشت	
		مهاجرت گسترده	
		بحران زیست محیطی	
	توسعه پروژه‌های سدسازی در افغانستان	ایجاد کانال‌های انحراف آب	احمدی و همکاران (۱۴۰۲)، طیبی و ابوالقاسمی (۱۴۰۲)، موسوی شهیدی و زارعی (۱۴۰۱)، عطاری و آوریده (۱۳۹۶)، شهبازبیگیان و همکاران (۱۳۹۵)
		احداث سازه‌های ذخیره آب	
		تأسیس سدهای جدید	
ژئوپلیتیکی - زیست محیطی	انحراف در مسیر آب هیرمند	افزایش فضای بیابانی در مناطق سیستان	مشفق (۱۴۰۲)، ویسی (۱۴۰۲)، پیرانی (۱۴۰۱)، علیزاده و همکاران (۱۳۹۹)، مظفری و همکاران (۱۳۹۸)، خلیلی و هاشمی (۱۳۹۶)
		خشک شدن تالاب‌ها	
		کاهش شدید سفره‌های آب زیرزمینی	
	تهدید بیش از پیش ریزگردها	نابودی مراتع	عباسی (۱۴۰۲)، ذکی و همکاران (۱۴۰۱)، مهدوی‌زاده و همکاران (۱۳۹۹)، ایران منش و عرب خدری (۱۳۹۸)، حیدری و همکاران (۱۳۹۸)، صدیق و همکاران (۱۳۹۷)، رame و حیدری (۱۳۹۷)
		تهدیدات فزاینده سلامت	
		تشدید طوفان‌های صحرایی	
		نابودی مزارع فرسایش خاک	
	اضمحلال اقتصاد و کشاورزی منطقه بلوچستان	از بین رفتن اقتصاد محلی	حبیبی و همکاران (۱۴۰۲)، حکمت‌زاده و همکاران (۱۴۰۰)، نوبهار و کبیری رنایی (۱۳۹۹)، طباطبایی و همکاران (۱۳۹۹)، مهدوی‌زاده و همکاران (۱۳۹۸)، آشتاب و شریف‌زاده (۱۳۹۶)
		تغییر شیوه زندگی مردم ساکن دشت سیستان	
		افزایش کشت مواد مخدر	

یافته‌های پژوهش؛ کنترل کیفی یافته‌ها

در این مرحله، اساساً جهت حفظ کیفیت یافته‌ها، از شاخص کاپا استفاده خواهد شد. شاخص کاپا زمانی مورد استفاده واقع می‌شود که پاسخ دهندگان به اولویت‌بندی پاسخ‌ها مبادرت نموده و در ادامه به ارزیابی میزان توافق آنان پردازند. از آنجایی که در پژوهش کنونی، جهت استخراج

عوامل از مجموعه مطالعات پیشین به مثابه کد استفاده شد، لذا با در نظر گرفتن شباهت‌های مفهومی، مقوله‌های نوینی شناسایی شده که در ادامه جهت ارزیابی و نهایتاً اولویت‌بندی آنان از سوی خبرگان از شاخص کاپا استفاده شد. این شاخص عددی بین صفر و یک بوده و هر چه شاخص مذکور به عدد یک متمایل تر باشد حاکی از توافق زیاد رتبه‌دهندگان خواهد بود. میزان شاخص در سطح اطمینان ۰/۰۰۰ عدد ۰/۸۴۴ به دست آمد که با توجه به کمتر بودن عدد معناداری از ۰/۰۵ فرض استقلال مقوله‌های به دست آمده رد می‌شود و نهایتاً نشان می‌دهد که استخراج کدها دارای پایایی مناسب است.

گام هفتم: ارائه نتایج

بر اساس روش آنتروپی شانون^۱، می‌توان به لحاظ کمی می‌توان به طراحی یک مدل عملکرد از تهدیدات امنیتی - زیست محیطی طالبان علیه جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر آب هیرمند مبادرت نمود. بر اساس این روش، ابتدا کدها بر اساس مقوله‌ها که به عنوان فراوانی به دست آورده شده و با بهره‌گیری از بار اطلاعاتی هر یک، میزان اهمیت محاسبه می‌شود. بر اساس روش آنتروپی شانون، پردازش داده‌ها در بحث تحلیل فراترکیب با نگاهی جدید مطرح می‌شود و تحلیل فراترکیب بسیار قویتر و معتبرتر عمل می‌کند (سارایوا^۲، ۲۰۲۳). ابتدا باید فراوانی هر یک از مقوله‌های شناسایی شده بر اساس تحلیل فراترکیب مشخص شود، سپس بر اساس روش آنتروپی شانون ضریب اهمیت هر یک از مؤلفه‌ها محاسبه می‌گردد (کریستی^۳، ۲۰۲۴). برای محاسبه بار اطلاعاتی، عدم اطمینان و ضریب اهمیت مفاهیم از روابط زیر استفاده خواهد شد:

$$E_j = -K \sum p_{ij} \times \ln p_{ij} \quad i = 1, 2, \dots, m \quad k = \frac{1}{\ln m} \quad \text{رابطه (۱)}$$

$$W = \frac{dj}{\sum dj} \quad dj = 1 - E_j \quad \text{رابطه (۲)}$$

گذشته از تبیین وزن مفاهیم، رتبه‌کل نیز محاسبه شده است. جدول ۶ رتبه‌بندی و ضریب اهمیت عوامل شناسایی شده را نشان می‌دهد.

1. Shannon Entropy
2. Saraiva
3. Christie

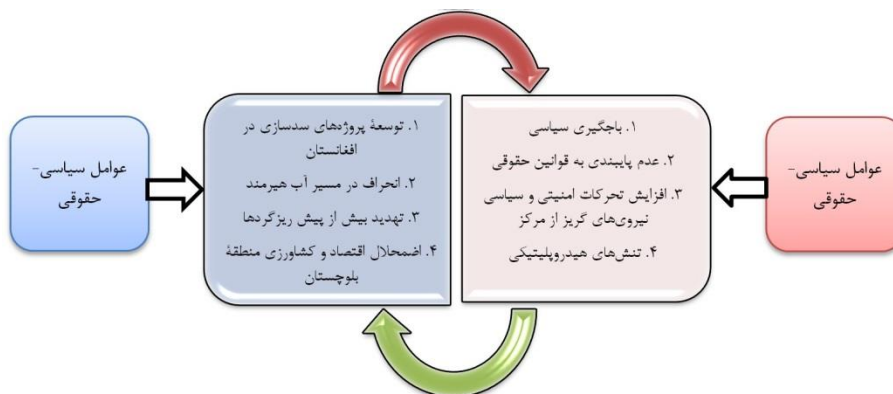
جدول ۶. رتبه‌بندی و ضریب اهمیت مؤلفه‌های شناسایی شده

رتبه کل	رتبه مفهوم	ضریب اهمیت	عدم اطمینان	$\sum P_{ij} * i/n_{ij}$	فراوانی	مفهوم	مقوله
۱	۱	۰/۱۷۶	۰/۱۴۶	-۰/۲۶۸	۱۸	کسب مشروعیت	باجگیری سیاسی
	۳	۰/۱۶۴	۰/۱۳۸	-۰/۲۶۴	۶	افزایش قدرت چانه‌زنی	
	۲	۰/۱۷۲	۰/۱۳۶	-۰/۲۷۳	۸	تلاش برای معاوضه آب و نفت	
۲	۱	۰/۱۷۲	۰/۱۵۸	-۰/۲۲۴	۱۱	عدم دسترسی هیأت نظارت ایرانی به میزان دقیق آب	عدم پایبندی به قوانین حقوقی
	۲	۰/۱۷۰	۰/۱۴۴	-۰/۲۲۸	۲	عدم تعهد به واگذاری ۸۵۰ میلیون لیتر آب سالانه به ایران	
	۳	۰/۱۶۶	۰/۱۵۲	-۰/۲۲۲	۷	اقدامات مخالف اصل رفتار بر مبنای حسن همجواری	
	۴	۰/۱۶۰	۰/۱۴۶	-۰/۲۲۶	۵	هیرمند به مثابه حاکمیت داخلی طالبان	
۳	۱	۰/۱۶۸	۰/۱۳۶	-۰/۲۲۸	۹	افزایش نفوذ گروه‌های تجزیه طلب فرامرزی	افزایش تحرکات امنیتی و سیاسی نیروی‌های گریز از مرکز
	۳	۰/۱۵۶	۰/۱۳۲	-۰/۲۲۶	۶	افزایش مهاجرت‌های غیرقانونی	
	۲	۰/۱۶۲	۰/۱۴۰	-۰/۲۳۲	۸	عضویت در گروه‌های معاند و تروریست	
۴	۱	۰/۱۷۰	۰/۱۵۲	-۰/۲۲۸	۱۱	هیدرودپلماسی	تنش‌های هیدروپلیتیکی
	۴	۰/۱۵۶	۰/۱۵۶	-۰/۲۳۲	۸	آسیب پذیری معیشت	
	۳	۰/۱۶۰	۰/۱۵۶	-۰/۲۲۸	۹	هدر رفت گسترده آب	
	۲	۰/۱۶۸	۰/۱۴۸	-۰/۲۲۲	۱۰	بحران زیست محیطی	
۵	۲	۰/۱۶۴	۰/۱۴۰	-۰/۲۴۴	۹	ایجاد کانال‌های انحراف آب	توسعه پروژه‌های سدسازی در افغانستان
	۱	۰/۱۶۸	۰/۱۴۳	-۰/۲۲۸	۸	احداث سازه‌های ذخیره آب	
	۳	۰/۱۵۸	۰/۱۴۸	-۰/۲۲۵	۶	تأسیس سدهای جدید	
۶	۱	۰/۱۶۰	۰/۱۴۴	-۰/۲۳۵	۱۰	افزایش فضای بیابانی در مناطق سیستان	انحراف در مسیر آب هیرمند
	۲	۰/۱۵۶	۰/۱۴۰	-۰/۲۳۲	۹	خشک شدن تالاب‌ها	
	۳	۰/۱۵۲	۰/۱۴۶	-۰/۲۳۰	۶	کاهش شدید سفره‌های آب زیرزمینی	

جدول ۶. رتبه‌بندی و ضریب اهمیت مؤلفه‌های شناسایی شده

رتبه کل	رتبه مفهوم	ضریب اهمیت	عدم اطمینان	$\sum \frac{P_{ij} * i_n}{n_{ij}}$	فراوانی	مفهوم	مقوله
۷	۱	۰/۱۶۸	۰/۱۴۴	-۰/۲۲۲	۱۱	نابودی مراتع	تهدید بیش از پیش ریزگردها
	۳	۰/۱۵۸	۰/۱۳۸	-۰/۲۴۸	۹	تهدیدات فزاینده سلامت	
	۴	۰/۱۵۲	۰/۱۳۲	-۰/۲۴۶	۶	تشدید طوفان‌های صحرایی	
	۲	۰/۱۶۴	۰/۱۳۴	-۰/۲۴۱	۱۰	نابودی مزارع	
	۵	۰/۱۵۰	۰/۱۳۰	-۰/۲۳۴	۵	فرسایش خاک	
۸	۱	۰/۱۶۰	۰/۱۴۸	-۰/۲۳۴	۱۰	از بین رفتن اقتصاد محلی	اضمحلال اقتصاد و کشاورزی منطقه بلوچستان
	۳	۰/۱۵۰	۰/۱۴۰	-۰/۲۲۸	۷	تغییر شیوه زندگی مردم ساکن دشت سیستان	
	۲	۰/۱۵۴	۰/۱۴۴	-۰/۲۳۰	۸	افزایش کشت مواد مخدر	

با توجه به یافته‌های ضریب جدول ۶ مشخص گردید، باجگیری سیاسی بیشترین ضریب اهمیت را داراست و لذا بالاترین رتبه را در مدل تهدیدات امنیتی زیست محیطی طالبان علیه جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر هیرمند را کسب می‌نماید. رتبه‌های دوم، سوم و چهارم نیز براساس ضریب اهمیت، مولفه‌های عدم پایداری به قوانین حقوقی، افزایش تحرکات امنیتی و سیاسی نیروی‌های گریز از مرکز و تنش‌های هیدروپلیتیکی به خود اختصاص داده‌اند. از آنجایی که ضرایب مؤلفه‌ها اعدادی نزدیک به یکدیگر می‌باشد، توجه به این نکته ضروری است که در تهدیدات امنیتی زیست محیطی طالبان علیه جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر هیرمند، تمامی این عوامل باید در کنار هم مدنظر قرار گیرند. در واقع، در فرآیند الگوی تهدیدات امنیتی مذکور، هر عامل نقش و کارکرد منحصر بفردی ایفا می‌کند که با توجه به شرایط امنیتی، ژئوپلیتیکی، سیاسی، اقتصادی و حتی مذهبی منطقه شرق و جنوب شرق کشور، همه موارد را در تعامل با عوامل دیگر، جهت رسیدن به سطح بالایی از کارایی مدل قرار گیرند. در شکل ۳ الگوی تهدیدات امنیتی زیست محیطی طالبان علیه جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر هیرمند ترسیم می‌گردد:



شکل ۳. الگوی تهدیدات امنیتی زیست محیطی طالبان علیه جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر هیرمند (طراحی: نویسندگان)

در ادامه مدل پژوهش را به شرح ذیل مورد بررسی قرار می‌دهیم:

باجگیری سیاسی، اولین و مهمترین مقوله شناسایی شده در مدل تهدیدات امنیتی طالبان علیه جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر مسائل زیست محیطی هیرمند می‌باشد. بر این اساس، دولت نوپای طالبان در افغانستان، با توجه به تکرر قومیت‌های ملی در این کشور و نیز چالش‌هایی همچون اعمال خشونت و بنیادگرایی اندیشه‌ای که سال‌ها بر اساس آن بر این کشور حکومت می‌کرد، در دوره جدید حکمرانی خود در گام نخست، تلاش نمود به کسب مشروعیت داخلی و نیز کسب وجاهت سیاسی در میان کشورهای منطقه و جهان مبادرت نماید. از طرفی دولت طالبان، با توجه به شرایط اقتصادی حاکم بر این کشور از آب هیرمند جهت نیل به دو هدف کلان بهره برده است: نخست؛ افزایش قدرت چانه‌زنی در برابر جمهوری اسلامی ایران و دوم تلاش برای معاوضه آب و نفت. بنابراین به تعبیر نویسندگان بعید است که در ادامه طالبان به تعهدات آبی خود در قبال هیرمند پایبندی کامل نشان دهد و کارشکنی‌های طالبان جهت نیل به حداقل یکی از اهداف سیاسی مذکور، ادامه خواهد داشت.

مقوله دوم، عدم پایبندی طالبان به قوانین حقوقی در موضوع آب هیرمند می‌باشد. پیشتر تبیین گردید، طالبان که دوره دوم حکومت خود را بر افغانستان آغاز نموده است، در ابتدای امر جهت کسب وجاهت دیپلماتیک و رضایت همسایگان به ویژه جمهوری اسلامی ایران، خود را متعهد به قوانین و معاهده‌های امضا شده میان طرفین دانست اما واقعیت این است که در عمل مجموعه

راهبردهای طالبان جهت نیل به اهداف و مقاصد مورد نظر خویش بوده است و عملاً تعهدات داده شده به جمهوری اسلامی ایران به ویژه در مسائل و زمینه‌های حقوقی محقق نشده است. در این رابطه، طالبان از زمان آغاز دوره دوم امارت بر افغانستان هیچگاه اجازه حضور و دسترسی هیأت نظارت ایرانی جهت بررسی و ارزیابی میزان دقیق آب موجود در این کشور را نداده است. از طرفی، طالبان با استناد به این موضوع که حقایق هیرمند مسأله‌ای کاملاً داخلی است، لذا هرگونه دخالت در این موضوع را به مثابه دخالت در حاکمیت داخلی این کشور تلقی کرده که نهایتاً بازخورد این موضوع ایجاد دو چالش بزرگ برای جمهوری اسلامی بوده است: نخست؛ عدم تعهد به واگذاری ۸۵۰ میلیون لیتر آب سالانه به ایران و دوم، اقدامات مخالف اصل رفتار بر مبنای حسن همجواری.

مقوله سوم، افزایش تحرکات امنیتی و سیاسی نیروی‌های گریز از مرکز است. عدم تعهدات طالبان در موضوع آب هیرمند، مشکلات و چالش‌های عدیدای در حوزه‌های اشتغال، بهداشت، کشاورزی و... برای اهالی این منطقه ایجاد کرده است. این موضوع پیامدهای مهمی برای اهالی این منطقه خواهد داشت. از یک سو، محرومیت گسترده این منطقه شرایط را بیش از پیش برای مهاجرت افراد به دیگر مناطق سوق خواهد داد و از سوی دیگر، دستاویزی برای گروه‌های معاند، تجزیه طلب و تروریست خواهد شد تا اولاً افرادی که با بیکاری، فقر و مشکلات عدیده اقتصادی در این منطقه مواجهند را به عضویت خود در آورده و ثانیاً به اقدامات متعدد تروریستی و امنیتی علیه حکومت مرکزی مبادرت نمایند.

مقوله چهارم، تنش‌های هیدروپلیتیکی می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران در ابتدای دوره دوم حکومت طالبان، اساس و مبنای کار را بر تعهد این دولت نوپا به مقررات آبی هیرمند گذارد لکن در ادامه عدم تعهد و پایبندی طالبان به این مسأله مشخص شد. موضوعی که در ابتدا به تنش‌های کلامی و حتی تهدیدات تلویحی مسئولین جمهوری اسلامی ایران علیه سران طالبان منجر گردید. از یک سو، استدلال سران جمهوری اسلامی ایران به دو موضوع تهدیدات بالقوه زیست محیطی حاکم بر منطقه سیستان و آسیب پذیری گسترده در وضعیت معیشت مردم این منطقه است و از سوی دیگر، شواهد نشان می‌دهد اولاً میزان آب هیرمند نه تنها کاسته نشده بلکه سد‌های کشور افغانستان بعضاً لبریز نیز بوده و در مقیاس گسترده‌ای هدر و به مناطقی از شوره زار می‌ریزد.

موضوعی که کماکان میان دو کشور ادامه داشته و هیدرودپلماسی جمهوری اسلامی ایران و طالبان به نظر در کوتاه مدت، به نتیجه دلخواه منتهی نشود.

مقوله پنجم، توسعه پروژه‌های سدسازی در افغانستان می‌باشد. طالبان گذشته از اینکه به مسئولین و هیئت نظارت جمهوری اسلامی ایران اجازه بازرسی و ارزیابی دقیق حجم آب را نداده و در این خصوص استدلال نمودند که دامنه خشکسالی در افغانستان گسترده و لذا حجم آب موجود در این کشور به میزانی نیست که به ایران نیز سرازیر شود، حال آنکه شواهد واقعی حکایت از سه موضوع دیگر دارد: نخست آنکه طالبان به احداث سازه‌های ذخیره آب در این کشور توسعه دادند و این موضوع را با تمسک به ایجاد کانال‌های انحراف آب و تأسیس سدهای جدید به انجام رساندند.

مقوله ششم، انحراف در مسیر آب هیرمند است. طالبان با چنین رویکردی عملاً چالش زیست محیطی منطقه سیستان و بلوچستان ایران را با یک بحران عظیم مواجه نمودند. گذشته از تهدیدات جدی در حوزه‌های زیست محیطی این موضوع، سه پیامد مهم به همراه داشته است: نخست، افزایش بیش از پیش فضای بیابانی در مناطق سیستان، دهم، خشک شدن تالاب‌ها و نهایتاً کاهش شدید سفره‌های آب زیرزمینی. مقوله هفتم که مرتبط و منتج از مقولات قبلی است، به تهدیدات بیش از پیش ریزگردها در مناطق شرقی و جنوب شرق اشاره دارد. بر این اساس، تهدیدات فزاینده زیست محیطی این منطقه، گذشته از نابودی مراتع و مزارع، فرسایش گسترده خاک و تشدید طوفان‌های صحرائی، پیامدهای بسیار خطرناکی در بعد بهداشت و سلامت ساکنان این منطقه به همراه خواهد داشت. نهایتاً مقوله هشتم اضمحلال اقتصاد و کشاورزی منطقه بلوچستان است. محرومیت این منطقه در کنار مشکلات گسترده زیست محیطی، گذشته از عضویت و فعالیت در گروه‌های معاند و تروریستی، میتواند پیام آور سه موضوع مهم دیگر باشد، از بین رفتن اقتصاد محلی، تغییر شیوه زندگی مردم ساکن دشت سیستان و افزایش چشمگیر کشت مواد مخدر و صادرات آن.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

واقعیت این است که منطقه غرب آسیا، کانون بسیاری از تحولات، ناآرامی‌ها، جنگ و تروریسم محسوب می‌شود به نحوی که عمده تئوری‌های امنیت و روابط بین‌الملل مصداق عینی در این منطقه می‌یابد. بنابراین مسائلی همچون تضادهای عمیق ایدئولوژیکی، چالش‌های ژئوپلیتیکی و مشکلات اقتصادی همواره در این منطقه در جریان بوده است. گذشته از تأثیر و نقش قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در ایجاد ناآرامی‌ها، تنش‌ها، تهدیدات و ناامنی‌ها، یکی از مسائلی که همواره به تعمیق و تشدید بحران در این منطقه منجر شده است، مسأله آب، بوده است. به بیانی دیگر، از یک سو منطقه آسیای جنوبی و جنوب غرب، ذیل مناطق کم آب، بیابانی و بعضاً خشک و نیمه خشک قرار گرفته است و از سویی دیگر، بسیاری از کشورهای این منطقه به سبب اتخاذ سیاست‌های نوین آبی (برای کشاورزی مدرن، برق و...) راهبردهای بعضاً چالش برانگیزی اتخاذ و به اجرا گذارده‌اند به نحوی که ضمن نادیده گرفتن حق آب سایر کشورها (خصوصاً کشورهای آبی که دارای آب مرزی و یا انشعابات رودخانه‌ای در سایر کشورهای همجوار هستند) عملاً مشکلات عدیده اقتصادی، زیست محیطی و حتی امنیتی ایجاد کرده‌اند. این موضوع، به ویژه در میان کشورهایی که جایگاه کانونی و مرکزی آب را دارند، ملموس‌تر بوده است. به عنوان مثال، سیاست‌های سدسازی ترکیه و اخیراً افغانستان مشکلات آبی گسترده‌ای برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده به نحوی که دامنه تهدیدات آن بعضاً فراتر از مسائل کشاورزی و اقتصادی به تهدیدات امنیتی مبدل شده است. هرچند دیپلماسی مفاهمه و گفتگو میان سران جمهوری اسلامی ایران با سران ترکیه و افغانستان و حتی عراق در این زمینه مناسب ارزیابی و کشورهای مذکور عملاً متعهد به اجرای تعهدات آبی خود در قبال کشورمان شدند اما واقعیت این است در عمل این موضوع به صورت کامل محقق نشد و مناطق گسترده‌ای از کشورمان به ویژه مناطق مرزی متضرر شده و تهدیدات بالقوه سیاسی، اقتصادی، زیست محیطی دامنگیر این مناطق شد. در این میان کشور افغانستان، به سبب شرایط اقتصادی، اقلیمی، قومیتی و مذهبی یکی از کشورهای مهم و اثرگذار به ویژه در مسائل امنیتی-ژئوپلیتیکی بوده است به نحوی که قدرت‌های بین‌المللی همچون شوروی سابق و سپس ایالات متحده ضمن توجه ویژه به این کشور بنا به دلایل

ایئولوژیکی، امنیتی و مبارزه با تروریسم، افغانستان را عرصهٔ تخت و تاز و اشغالگری خود قرار دادند. به همین سبب، افغانستان از دیر هنگام کانون مهمی از جنگ، چالش‌های امنیتی و ژئوپلیتیکی بوده است. این موضوع دو پیامد مهم به همراه داشته است: نخست آنکه کشور افغانستان را ذیل یکی از بی‌ثبات‌ترین جوامع و دولت‌های سیاسی جهان قرار داده است به نحوی که بی‌ثباتی‌های سیاسی، گسترش فقر، افزایش شکاف اجتماعی، فقدان ارتش سازمان یافته و طیف وسیعی از مشکلات دامنگیر این کشور شده است و دوم؛ ظهور طیف‌های گسترده‌ای از گروه‌های تروریستی و بنیادگرا همچون القاعده. چنین وضعیت آشفته‌ای از سیاست، امنیت و اقتصاد نه تنها افغانستان که کشورهای منطقه و حتی فرمانطقه‌ای را نیز تحت تأثیرات سوء بالقوه قرار داده است. به عنوان مثال، جمهوری اسلامی ایران، به مثابه یکی از کشورهای منطقه که به لحاظ جغرافیایی مرزهای وسیعی با کشور افغانستان دارد، همواره با چالش‌های مختلفی همچون قاچاق مواد مخدر، امنیت مرزها، قاچاق اسلحه، فعالیت نیروهای سیاسی گریز از مرکز و دیگر معضلات گسترده از سوی دول مختلف حاکم بر افغانستان مواجه بوده است. یکی از حکومت‌هایی که در دو دوره زعامت کشور افغانستان را عهده‌دار بوده است، طالبان هستند که شبه‌نظامیانی با اندیشه‌های مکتب دیوبندی و خوانشی عمدتاً بنیادگرا بر افغانستان حکومت کرده‌اند. این گروه که در ابتدا با هدف مبارزه و جهاد با اشغالگران شوروی شکل گرفت، در ادامه سعی نمود بر اساس سنت و شریعت اسلام سنی بر افغانستان حکومت کند اما سلسله دلایل مختلفی نه تنها این امر را محقق نساخت که افغانستان را جولانگاه ناامنی‌های متعدد نمود به نحوی که با وقوع حادثهٔ ۱۱ سپتامبر و اشغال نظامی افغانستان از سوی آمریکا، حکومت طالبان برچیده و سپس تقریباً پس از ۲۰ سال بر اساس پیمان دوحه، مجدداً حکومت دوم طالبان در افغانستان آغاز شد. در دورهٔ به نظر می‌رسید طالبان تلاش مضاعفی برای بسط روابط مبتنی بر صلح و سازش و دوستی با کشورهای منطقه و همسایگان از خود نشان دهد اما واقعیت این است که بسیاری از مسائل و چالش‌های اقتصادی، امنیتی و سیاسی طالبان با کشورهای منطقه کماکان لاینحل مانده است. یکی از چالش‌های مهم، مسألهٔ آب هیرمند و عدم تعهد طالبان به جمهوری اسلامی ایران در این زمینه بوده است. به همین سبب، پژوهش حاضر درصدد طراحی مدل عملگرای تهدیدات امنیتی طالبان علیه جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر عوامل زیست‌محیطی هیرمند بوده است. تا پیش از این، عمده پژوهش‌های صورت گرفته با

محوریت چالش‌های آبی ایران و افغانستان درمسأله هیرمند، به تبیین عوامل، دلایل و پیامدهای این موضوع بوده است اما پژوهش کنونی ضمن تدقیق و بررسی طیف وسیعی از آثار این حوزه، سعی در طراحی مدلی جامع از مهمترین تهدیدات امنیتی طالبان با تأکید بر مسائل زیست محیطی هیرمند داشته است. سوال اصلی نویسندگان پژوهش کنونی بررسی و تدقیق در این موضوع بوده است که: «بر اساس مواضع، رویکرها و سیاست‌های آبی طالبان در هیرمند در قبال جمهوری اسلامی ایران، مهمترین تهدیدات امنیتی حاصل از این موضوع کدامند؟» به دیگر سخن، مدل تهدیدات امنیتی طالبان علیه جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر مسأله هیرمند شامل چه مفاهیمی است؟ نتایج بدست آمده از روش فراترکیب و نیز مطالعات پژوهش‌های صورت گرفته ۲۸ مفهوم در قالب ۸ مقوله را نشان داد که در دو دسته عوامل سیاسی - حقوقی و ژئوپلیتیکی - زیست محیطی تفکیک شدند. بر این اساس، مفاهیم اصلی با توجه به ضریب اهمیت به ترتیب عبارتند از: باجگیری سیاسی، عدم پابندی به قوانین حقوقی، افزایش تحرکات امنیتی و سیاسی نیروی‌های گریز از مرکز، تنش‌های هیدروپلیتیکی، توسعه پروژه‌های سدسازی در افغانستان، انحراف در مسیر آب هیرمند، تهدید بیش از پیش ریزگردها و اضمحلال اقتصاد و کشاورزی منطقه بلوچستان.

در پایان حسب یافته‌های پژوهش، پیشنهاداتی به سیاستگذاران کلان کشوری در حوزه امنیت منطقه شرق ارائه می‌شود:

- ✓ در گام نخست، از امنیتی شدن موضوع آب هیرمند جلوگیری به عمل آید، زیرا شرایط سیاسی و امنیتی شرق کشور با توجه به فعالیت گسترده نیروهای معاند و تروریستی با امنیتی شدن آب هیرمند، پتانسیل ناامن تر شدن بیشتر این منطقه، تلاش برای شکلگیری تنش بیشتر و نهایتاً برخورد فیزیکی دو کشور را خواهد داشت؛
- ✓ تا حصول نتیجه نهایی، دیپلماسی گفتگو و مفاهمه ادامه یابد؛

یکی از شرایط مهم و اثرگذار جمهوری اسلامی ایران جهت به رسمیت شناختن طالبان تعهد آنان به موضوع حقایق ایران از آب هیرمند باشد.

فهرست منابع

- ابراهیمی، نبی‌الله. (۱۴۰۱). نوسلفی گری و جهانی شدن امنیت خاورمیانه. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ابراهیمی، نبی‌الله و مشیرزاده، حمیرا. (۱۴۰۰). تحول مفاهیم در روابط بین‌الملل. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- احمدی، رضا. (۱۳۹۹). درآمدی بر امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- بیلگین، پینار. (۱۳۹۹). امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه. ترجمه عسگر قهرمان‌پور، تهران: ابرار معاصر.
- پهلوان، الهه و کریمی‌منش، احسان. (۱۴۰۰). «تأثیر دیپلماسی محیط زیستی بر روی بحران آبی مناطق مرزی ایران (مطالعه موردی: حوضه آبریز هیرمند)». مطالعات علوم محیط زیست، ۶(۳)، ۳۹۰۰-۳۹۱۲.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد؛ طهماسبی، مریم و برزگر، کیهان. (۱۴۰۱). «رویکرد منازعه و همکاری در حوضه آبریز هیرمند و اروند رود». مطالعات خاورمیانه، ۲۹(۱۰۹)، ۸۱-۹۹.
- درج، حمید. (۱۴۰۲). «بحران آب هیرمند و بازگشت طالبان به قدرت در افغانستان». بحران پژوهی جهان اسلام، ۱۰(۲)، ۱۳۵-۱۶۱.
- شکری، علی؛ مفتخری، حسین و حسینی، میرهادی. (۱۴۰۱). «مسأله تاریخی هیرمند و راهکارهای کاهش چالش‌های ناشی از آن». پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، ۸(۳۰)، ۲۹۳-۳۲۰.
- شیهان، مایکل. (۱۴۰۱). امنیت بین‌الملل. ترجمه جلال دهقانی فیروز آبادی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- عالیشاهی، عبدالرضا؛ حسن‌پور، ندا و سینا، کرم. (۱۴۰۲). «مدل راهبردی طالبان در روند دولت‌سازی دوم در افغانستان». رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ۱۴(۳)، ۱۸۳-۲۰۰.
- عسگری، سهراب. (۱۴۰۲). «نقش افغانستان در تغییر وضعیت هیرمند از هیدروپلیتیک به ژئوپلیتیک». آمایش سیاسی فضا، ۵(۱۹)، ۳۳۶-۳۵۷.
- عنایت‌مهری، حسینعلی و عباسی‌اشلقی، مجید. (۱۴۰۰). «بررسی تأثیر هیدروپلیتیک هیرمند بر روابط سیاسی و امنیتی ایران و افغانستان ۲۰۱۸-۲۰۲۰». جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۱۶(۱۶)، ۱۰۶۵-۱۰۲۹.
- کامیاب، محمدحسن؛ موسوی‌زاده، سید محمدحسین و بختیاری، حمید. (۱۴۰۰). «دیپلماسی آب در مرزهای رودخانه‌ای (مطالعه موردی: رودخانه مرزی هیرمند)». قلمروهای جغرافیایی قرن جدید، ۱(۱)، ۱-۱۷.
- موسویان، حسین. (۱۴۰۲). ساختار جدید امنیت، صلح و همکاری در خلیج فارس. تهران: روزنه.
- یورگنسن، کنود ایریک. (۱۴۰۲). درآمدی نو به نظریه‌های روابط بین‌الملل. ترجمه وحید بزرگی، تهران: جوینده.

انگلیسی

Buzan, B. (2022). *The Evolution of International Security Studies*. London: Cambridge University Press.

Buzan, B. (2020). *From International to World Society?* London: Cambridge University Press.

- Christie, D. (2024). Efficient estimation of directional wave buoy spectra using a reformulated Maximum Shannon Entropy Method: Analysis and comparisons for coastal wave datasets. *Applied Ocean Research*, (142), 1-23.
- Demirkol, A. (2023). A Perspective on Critical Security Concept and International Migration Nexus through Copenhagen School: The Quest for Societal Security. *Lectio Socialis*, 7 (1), 1-10.
- Johnson, M., & Abdi Tabari, M. (2023). A research synthesis and meta-analysis. *Journal of System*, (118), 193-209.
- Killion, K., Harris, J., & Duffy, V. (2023). Caregiver perceptions of snacks for young children: A thematic synthesis of qualitative research. *Journal of Appetite*, (188), 41-56.
- King, A. (2024). The Collective Logic of (Chinese) Hegemonic Order. *Journal of Security Studies*, 33(1), 146-152.
- Lupton, D. (2024). Threat Construction and Coercive Credibility. *Journal of Security Studies*, 36(2), 591-612.
- Saraiva, P. (2023). On Shannon entropy and its applications. *Kuwait Journal of Science*, 50(3), 194-199.

